

۱۶ آذر؛

رنگ کدام جنبش و کدام دوره

به استقبال ۱۶ آذر میرویم، مناسبتی که جامعه به نسل جوان چشم میدوزد و توقع دارد در این روز پرچم حق طلبی اکثریت مردم و در راس آن نسل جوان در دفاع از رفاه و آزادی از دانشگاه بلند شود و رنگ خود را به فضای سیاسی جامعه بزند.

جمهوری اسلامی در کنار تبلیغات وسیع و تحمیل قوانین عقب مانده با سرکوب و پادگانی کردن دانشگاه، همزمان تلاش دائمی شاخه های دانشجویی جناح های حکومتی از دفتر تحکیم و انجمن های اسلامی تا مریدان موسوی با "یا حسین میرحسین" و پرچمهای سبزشان، برای تبدیل کردن دانشگاه و ۱۶ آذر به محمول تسویه حسابها و بازار گرمی های جناحی هیچوقت نتوانستند دانشگاه را نه خفه و نه تسخیر کنند. ... ←

"منشوررفاه، آزادی و

امنیت مردم ایران" را

برافرازید!

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist Manshour.html>

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئیس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتاً یک قیام توده ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

انتخابات؛

رژه امنیت "ال کلپون" ها

فواد عبداللهی



قضایی این جامعه برداشته شد، نه امید به خوشبختی و آینده اوج گرفت، نه نقد مذهب و مبارزه با قساوت دینی و دفاع از هویت انسانی حق ابراز وجود یافت و نه مردم به اعمال اراده مستقیم در تمام سطوح سیاسی و آینده جامعه خود دست یافتند و نه قرار بود هیچکدام از این مطالبات متحقق شوند. اما انصافاً تا دلناتن بخواهد بازار سرکوب و اختناق و تزویر و تحقیر و به جیب زدن سودهای کلان، داغ و داغتر شد. به زندگی تحت برکات دولت اعتدال خوش آمدید!

۲- نتایج سرعقل آمدن ولی فقیه در آشتی با آمریکا و گرم شدن بازار تبلیغات در مورد "اهمیت ایران در خاورمیانه" از همان اول معلوم بود که چیزی جز بازار فقر و بی حقوقی کامل اقتصادی و سیاسی برای طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم ایران در بر ندارد. این یک روی واقعیت است. روی دیگر اما تلاش یک صف ملون و متحد از حاکمیت و اپوزیسیون دستگاهی آن است که به بهانه انتخابات برای حفظ این مناسبات گندیده و پوسیده، باز شال و کلاه کرده اند. ... صفحه ۳

تشکل های غیر دولتی اجازه فعالیت یافتند، نه برابری طلبی جایی برای عرض اندام یافت، نه سرکوب و جنایت و فلاکت و مهندسی بردگی فروکش کرد، نه بیمه بیکاری مکفی به موج رو به افزایش کارگران بیکار داده شد، نه دست مذهب از زندگی مردم کوتاه شد، نه زن از رده احشام خارج شد، نه آپارتاید جنسی کاهش یافت، نه کارگران حق تشکل و تحزب و اعتصاب پیدا کردند، نه کار کودک ممنوع شد، نه اخراجها و تهدیدها و بیکارسازی ها متوقف شد، نه بساط لفت و لیس سران این رژیم برچیده شد، نه ریالی از میلیونها میلیون از پولهای بلوکه شده قبلی و آزاد شده فعلی این رژیم که از قضا ثروتی است که با خون طبقه کارگر تولید شده صرف خدمات اجتماعی و امکانات رفاه شد، نه فحشا و اعتیاد و زندان کاهش یافت، نه اعدام از سیستم و فلسفه

هاشمی: "اسفندماه میآیم... این انتخابات یکی از سرنوشت سازترین انتخاباتهای انقلاب اسلامی است".

۱- نه بدین خاطر که هاشمی عزم خود را جزم کرده که بقول خود "تاخیر و تعلل در مسیر توسعه" را در دور آتی جبران کند، یا بر "معضل بیکاری" و نابرابری و فلاکت دستی بکشد. بلکه بدین خاطر که امنیت و حفظ نظام مسله است. تمام جناح های بورژوازی ایران و دولتشان بار دیگر و از قضا بر سر تامین همین مسله "امنیت" به سمت انتخابات اسفندماه میروند.

دوران برجام است؛ دورانی است که دست تک تک شان در مقابل میلیونها انسان رو شده است. نه بحران مزمن اقتصادی حل شد، نه نانی به سفره کارگر اضافه شد، نه ابراز عقیده و بیان آزاد شد، نه احزاب سیاسی و

آزادی برابری حکومت کارگری

دولت اعتدال و هیاهوی گشایش فرهنگی و سیاسی در دانشگاهها، پزهای ناشیانه رئیس دولت اعتدال در دفاع از آزادی سیاسی در دانشگاهها بسیار سریعتر از چیزی که تصورش را میکردند رنگ باخت. دوره اخیر دولت روحانی و کل جناحهای جمهوری اسلامی با لشکر پیاده نظام بورژوازی و روشنفکران بیمایه شان، تلاش کردند توافقات هسته ای را به عنوان پرچم موفقیت خود به ابزاری برای امیدوار کردن جامعه به بهبودی در آینده و ساکت کردن و رضایت دادن به وضع موجود در انتظار نگهدارند. تلاش کردند با مدیدن در عرق ملی و عظمت طلبی ایرانی، با رشد تعصبات کور ناسیونالیستی اعتراض محرومان و نسل جوان معترض به بی حقوقی را حاشیه ای کنند.

امروز کل رسانه ها و مقامات مختلف دولت و خیل روشنفکران و محققین حقوق بگیرشان در لزوم صبر و حوصله به خرج دادن برای بهبود اقتصادی در آینده ای دور، روضه میخوانند و طبقه کارگر ایران و میلیونها جوان تحصیل کرده بیکار را نصیحت میکنند که فقر و گرسنگی امروز را به عنوان ضرورت یک دوره و به امید آینده بهتر از آنها بخرند. اما دیوار توهم به بهبود اقتصادی و رفاه و فضای باز سیاسی، چیزی که مدافعان دولت روحانی در بوق و کرنا کرده بودند، امروز نزد متوهم ترین اقشار مردم ایران، فروریخته است.

۱۶ آذر امسال همزمان در دوره ای فرا میرسد که تبلیغات جمهوری اسلامی و سخنگویان آن حول انتخابات مجلس و نقش تعیین کننده آن در جواب به معضلات عدیده مردم، فضای عمومی جامعه را فرا گرفته

است. امسال هم جمهوری اسلامی تلاش میکند دانشگاه را در ۱۶ آذر به عنوان عرصه ای از کار به میدان جلسات و سخنرانی های فرمایشی سران حکومت تبدیل کند. ظاهرا قرار است مناسبت ۱۶ آذر امسال رنگ انتخابات و "برد" دولت اعتدال و عظمت طلبی ایرانی و "افتخاراتش" به عنوان قدرتی بزرگ در منطقه و افزایش احساسات کور و عقب مانده ناسیونالیستی و میهن پرستانه تبدیل کنند.

اما این کل واقعیت نیست. جامعه ایران و دانشگاههای آن، میدانی برهوت برای تحمیق جامعه و جولانگاه نمایندگان سرمایه و عاملین محرومیت و فقر و استبداد و خفقان بر اکثریت بزرگ مردم ایران نیست. دانشگاهها در ایران صحنه جدال دائمی آزادیخواهی و ارتجاع حاکم بوده و هست و در هر دوره ای رنگ فضای عمومی و خواست و تمایل اکثریت مردم را با توجه به توازن قوای مبارزاتی میان آنها و حاکمیت بر خود داشته است و امسال هم نمیتواند جز این باشد.

۱۶ آذر امسال نمیتواند رنگ نارضایتی عمومی و اعتراض بر حق اکثریت محروم جامعه به بی حقوقی، به بیعدالتی، به استبداد و زن ستیزی بخود نگیرد.

نباید اجازه داد دانشگاهها به میدان و جولانگاه سران دولت اعتدال و مجلس نشینان بورژوا و سخنوران جناحهای جمهوری اسلامی تبدیل شوند. نسل جوان معترض و آزادیخواه میتواند رنگ خود و تمایلات و عدالتخواهی و برابری طلبی خود را به دانشگاه بزنند. پرچمی که هر روز در گوشه ای از مملکت، در اعتراضات طبقه کارگر، در اعتراض زن و جوانان به نابرابری، به فقر و بی عدالتی و به

دزدی و چپاول روز افزون و به افزایش عظیم فاصله طبقاتی در گوشه و کنار این کشور در کارخانه و محل و هر تجمع کارگری بلند میشود. نسل جوان، میلیونها دانشجو از طبقه کارگر که به دانشگاه راه یافته است، صف وسیع جوانان آزادیخواه میتوانند مبتکر و نماینده آزادیخواهی و برابری طلبی باشند و فضای عمومی دانشگاهها را در این جهت تحت تاثیر قرار دهند و نمایندگی کنند.

دانشجویان کمونیست!

دانشگاههای ایران تاریخا محل عروج جوانان کمونیست بوده است. کمونیستهایی که در دوره های معینی با اتکا به کار جدی و پایه ای، با اتکا به تشکیل جمع ها و محافل و کمیته های کمونیستی، با بلند کردن مطالبات انسانی و آزادیخواهانه توانسته اند رنگ خود و امیال انسانی خود را در ابعاد توده ای به تحرکات دانشجویی بزنند. توانسته اند توجه کل طبقه کارگر و کل جامعه را به خود جلب کنند و امید به بهبود و رفاه را با اتکا به صف خود و نیروی متحد خود نه تنها در دانشگاه که در کارخانه و محله و در میان میلیونها انسان حق طلب زنده کنند.

رفقا!

فقط ما کمونیستها این واقعیت را که هیچ جناح و جریانی در بورژوازی ایران مشر آزادی و سعادت و رفاه نیستند را به جامعه گفته ایم. فقط ما کمونیستها گفتیم همه جناحهای بورژوازی ایران از اصلاح طلب و اصول گرا تا به اصلاح لیبرال و معتدل علیه آزادی و رفاه و سعادت اکثریت مردم محروم اند. امروز کل اپوزیسیون بورژوازی ایران به دولت اعتدال امید بسته است، دولتی که هیچ جوابی به وضعیت اقتصادی، به فقر و بیکاری

ندارد. ما کمونیستها گفتیم که اولین مانع رفاه، سعادت و آزادی مردم در ایران جمهوری اسلامی است.

امروز در دل اعتراضات وسیع طبقه کارگر، در دل تمایلات وسیع برابری طلبانه در میان نسل جوان، و در شرایطی که همه جناحهای بورژوازی ایران امتحان پس داده اند، قرار دادن افق رهایی در مقابل جامعه جانب ما کمونیستها، از جانب شما رفقا میتواند امید بخش باشد. دانشگاه کوله باری از تجربه تحرک کمونیسم متشکل و اجتماعی در دل خفقان را دارد. وجود همین حقیقت و هراس از عروج نسل جوان کمونیست در دانشگاه است که بیت رهبری و کل حاکمیت را هر از چند گاهی علیه کمونیستها در دانشگاه به سخن میآورد.

۱۶ آذر میتواند رنگ عدالتخواهی و افق انسانی را بر خود داشته باشد. این مهم به اتحاد و کاردانی، به هوشیاری به کار کمونیستی تا کنونی و به توان بسیج و اتوریته و نیروی پشت سر شما بستگی دارد. جامعه چشم امید به دانشگاه دوخته است و این امید در جواب شما به شرایط موجود تحقق خواهد یافت.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

حزب کمونیست کارگری -

حکمتیت (خط رسمی)

۸ آذر ۱۳۹۴ - ۳۰ نوامبر ۲۰۱۵

حکمتیت، هستی را بخوانید و آن را

تکثیر و پخش کنید! حکمتیت را

بدست کارگران برسانید!

زنده باد انقلاب کارگری!

”ال کاپون“ هامی آیند...

هاشمی، روحانی، عبدالله نوری، نوه خمینی، لاریجانی، فاتره رفسنجانی، قوچانی، لیلاز، بسیج و سپاه، بی بی سی، نگهبان، بهنود، حزب توده، جبهه ملی، جمهوری خواهان لاییک، همه و همه در یک جبهه واحد با سایه روشن های نازک تاکتیکی با هم، برای انتخابات پیش رو آماده میشوند تا امنیت سرمایه و نظامشان را تامین و تضمین کنند. خامنه ای در راس هرم این جبهه وسیع و بی افق از حاکمیت و اپوزیسیون پرو دولتی آن است. بدون وی اساسا اموراتشان نمیگذرد؛ قهرمانشان است. چه کسی بهتر از ”آقا“ اوضاع را تحت کنترل دارد؟! چه کسی بهتر از شخص شخیص ایشان میتواند اتحاد، یکپارچگی، همدلی و تداوم حاکمیت جناح های بورژوازی ایران را تامین و تضمین کند؟! کدام نهاد امنیتی در ایران بهتر از ارتش و سپاه و بسیج و حراست میتواند سیادت طبقاتی و نقش سرکوب دولتی را برای بورژوازی ایفا کند؟! چه کسی میتواند همزمان هم بعنوان یکی از مرتجعترین دول موجود در منطقه در جرگه عربستان و ترکیه و قطر که همگی بانی ناامنی و نفاق مذهبی - قومی اند ظاهر شود و در عین حال ”داخل“ را نیز کنترل و سرکوب کند؟! چه کسی میتواند در یک ”نرمش قهرمانانه“ هم شکست ایدولوژیک جمهوری اسلامی را در مقابل نسل امروز جامعه ایران رفو کند و هم پای معامله با غرب امضا بگذارد؟!

اپوزیسیون ضدولایت فقیه، مدتها است در مقابل نقش کلیدی مقام معظم، سرتعظیم فرود آورده است و دست به سینه در خدمت ”آقا“ است. آرزوها که جامعه شاهد بازار داغ و برو بیای این اپوزیسیون جناحی بود، ما گفتیم که جمهوری اسلامی ایران، از

این به بعد فقط و فقط یک اپوزیسیون، و آنهم اپوزیسیون طبقاتی خود را در مقابل دارد. این حقیقت امروز، و پس از تسلیم، انحطاط و تباهی تمام و کمال اپوزیسیونهای نیم بند درونی از جنس دوحرداد و توده - اکثریت و ملی مذهبی ها، کاملا آشکار شده است که جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت بورژوایی در ایران منافع همه اقشار و لایه های بورژوازی را در مقابل اپوزیسیون طبقاتی خود یعنی طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه نمایندگی میکند؛ یگانه دشمن طبقاتی که کماکان در صحنه مانده و حاکمیت را به چالش میکشد. توده ای - اکثریتی ها، ”اصلاح طلبان“، و مبلغین فعالیت در چهارچوب قانون اساسی، کسانی که در نقش صدا و سیما یا به پای بلندگوهای حکومت به کمونیستها انگ ”مخرب“ و ”بی منطق“ میزدند، امروز بعد از توافق جمهوری اسلامی با غرب، همه زیر عبای خامنه ای و به سر ایشان قسم میخورند. اینها فعالین و نخبگان چنین تحولی اند!

کسی که روندهای اساسی جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را شناسد، کسی که شکست روبنای ایدئولوژیک اسلامی رژیم در برابر بافت اجتماعی جامعه ایران، و تقابل طبقاتی عمیق تر گرایشات فرهنگی، فکری و اجتماعی آنرا از دیر باز، از مقطع انقلاب مشروطه و تا پروسه سرمایه داری شدن ایران و تا تحول و نقطه عطف سال ۵۷ که پروسه ای پیوسته در تقابل با مذهب و سرمایه داری بوده است، از معادلات خود حذف کند، کسی که نداند که چرا بورژوازی ایران و جهان نیازمند حاکمیت استبداد و اختناق و خونریزی است، خود را چپ بداند یا راست، عملا ناچار میشود که یا در رکاب یکی از بخش های بورژوازی در قدرت یا در اپوزیسیون با بزند، یا اشفته و سردرگم هر روز بدنبال نسخه ای

نجات بخش، پاندول وار نوسان کند. ۳- نیاز به اختناق و سرکوب و اتکا به بی حقوقی مطلق شهروندان، ویژگی حاکمیت سرمایه در ایران (چه تحت حاکمیت شاه و چه تحت حاکمیت خامنه ای) است. این خصیصه، نه از سر انتخاب شخصی مقامات است، نه از سر بی سوادی و بی ریشگی و نه از سر ”خونخواری“ ذاتی این و آن. بلکه تنها راه برای بقا سیستمی است که در تقسیم کار جهانی سرمایه در حوزه کار ارزان به حیات خود ادامه میدهد. تنها راه برای بقا این نظام تحمیل استبداد است، و این تحمیل تنها از طریق قدرت میتواند متحقق شود. به این اعتبار، امروز بورژوازی ایران به مراتب یکدست تر از همیشه نیازمند خامنه ای است؛ محتاج گزینه سرکوب و ادامه بقا که در ریشه های کاپیتالیسم معنایی جز قدرت ندارد (قدرت مالی و قدرت نظامی). از نقطه نظر منافع بورژوازی ایران، هیچکس بهتر از ”آقا“ بعد از اتمام مذاکرات هسته ای و در دوران برجام نمیتواند در دفاع و پاسداری از حاکمیت بورژوازی ایران و منافعش در مقابل مطالبات رفاهی فروکوفته طبقه کارگر ایران و اکثریت مردم محروم در کمال آرامش شانه بالا بیاندازد. تمام تبلیغات در مورد انتخابات مجلس پیش رو، از کمپین مجلس پنجاه پنجاه زنانه مردانه تا سایر بالماسکه های مشابه، قرار است این وضعیت را رنگ کند و بنام انتخابات و دموکراسی به جامعه بفروشد. جناح های بورژوازی ایران، روحانی و دولت اعتدالش تنها یک نیروی سیاسی دروغگو در این راستا نیستند. احزاب بورژوازی همگی ناچار از خلف وعده هستند، زیرا مطالبات اکثریت جامعه همیشه با اهداف طبقه شان در تناقض است. این دولت اما جلوه ای تازه از سطحیگری و بازی با کلمات و شو سیاسی را به نمایش گذاشت که در تاریخ سیاست دنیا بی

مانند است؛ مقولاتی مانند امنیت، توسعه، دموکراسی، رفاه و خوشبختی، را آنچنان مسخ و تحریف کرد که حیرت آور است؛ لطماتی که این دولت - علاوه بر هر چیز دیگر - به شعور عمومی و فرهنگ سیاسی جامعه ایران زد، جبران ناپذیراست و باید هر چه زود تر با خودشان و اعوان و انصار بیرون حکومت شان جارو شوند.

۴- با این اوصاف تامین امنیت سرمایه و حفظ نظام تنها چشم انداز کل بورژوازی ایران در انتخابات مجلس اسلامی و خیرگان پیش رو است. تنها بر متن بی افقی کامل جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران، در فقدان پاسخ به نیازهای اساسی رفاهی، سیاسی و اقتصادی جامعه است که هاشمی هم شال و کلاه کرده، می آید. هرچه اوضاع پیشتر میرود این جمهوری در مقابل جامعه و مطالبات رفاهی آن بی افق تر و بی پاسخ تر میشود و به این اعتبار کل بورژوازی ایران را یکدست تر و متحدتر در یک جبهه واحد علیه طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم جامعه بخط میکند.

۵- ما کمونیست ها و طبقه کارگر چقدر این دوران را جدی میگیریم؟! آیا دنیای سیاست را کماکان به دست بورژوازی، ”ال کاپون“ های کله خر و بالماسکه انتخاباتشان خواهیم سپرد؟! آیا سوسیالیسم کارگری را از حاشیه به متن سیاست در ایران و به این اعتبار در جهان تبدیل خواهیم کرد؟! زمان حدس و گمان در باره آینده نیست؛ وقت ساختن آنست. دور آتی دور کمونیست های طبقه کارگر باید باشد که جدال نهایی کار و سرمایه را به تقابل اصلی جامعه و متحزب کردن طبقه کارگر تبدیل میکنند. و این تلاشی سترگ و هر روزه است؛ عظمتی به عظیمی یک انقلاب کارگری در ایران.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب بر جمهوری اسلامی!

کارگران جهان متحد شوید!

Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

امنیت؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق می‌کند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

- حزب حکمتیست دفاع و امنیت را وظیفه نیروی مسلح مردم، متشکل در کمیته های محل کار و زیست، مبتی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در امور انتظامی و دفاعی، و جایگزین آن با ارتش حرفه ای و مافوق مردم میدانند.

- حزب حکمتیست برای فراهم کردن شرایط دفاع، مسلح و غیرمسلح، علاوه بر کمیته های محل کار و زیست، برای شکل گیری گارد آزادی، مسلح و غیر مسلح، فعالیت میکند.

- با این وجود مادام که نیرویهای مسلح وجود دارند موازین زیر باید برقرار گردند:

۱- اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.

۲- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.

۳- نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.

۴- تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.

۵- لغو دیپلماسی سری

۶- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه

۷- ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی .

رفاه؛

(بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر راه، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و.....) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

"منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"
را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

www.hekmatist.com
سر دبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com
تماس با حزب
hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در حزب و تشکل اوست!